



باستان‌شناسی شهر تاریخی میبد؛ مروری بر گذشته، چالش‌ها، چشم‌انداز و ارائه پیشنهاد

عبدالمهدی همت‌پور^۱، مریم کلبادی‌نژاد^۲، محمد اقبال چهری^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ استادیار، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: maryam.kolbadi@gmail.com

^۳ استادیار، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ‌ها	باستان‌شناسی در میبد بدون شناخت و درک دقیق از سیر تحول تاریخی و لایه‌های متعدد این کهن‌شهر امکان‌پذیر نخواهد بود. با توجه به نحوه شکل‌گیری میبد و ویژگی‌های خاص جغرافیایی آن، ناآگاهی از روند گاه‌نگاری می‌تواند مطالعات مرمت و معماری را تحت تأثیر قرار داده و نظم آن‌ها را مختل سازد. با این حال، مطالعات باستان‌شناسی در میبد همپای سایر حوزه‌های میراث فرهنگی رشد نکرده است. ابهام‌های فراوانی در زمینه باستان‌شناسی میبد، به‌ویژه در دوره اسلامی، وجود دارد. بررسی نتایج و دستاوردهای تحقیقات باستان‌شناسی در این منطقه می‌تواند به پرسش‌های کلان‌تری همچون سیر تحول و تطور ادوار فرهنگی و تاریخی و نیز مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی میبد با دیگر حوزه‌های همجوار پاسخ دهد. روش این پژوهش بر استدلال منطقی استوار است و تلاش دارد با ایجاد انسجام میان داده‌های پراکنده، راهکارهایی برای بیش از دو دهه فعالیت‌های باستان‌شناسی در شهرستان میبد ارائه دهد. در برهه‌هایی، فعالیت‌های باستان‌شناسی در میبد پررنگ و چشمگیر بوده، اما گاه نیز برای مدت‌های طولانی هیچ‌گونه اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است. شناسایی و مستندسازی مؤلفه‌های شکل‌گیری میبد در قالب مطالعات باستان‌شناسی باید به‌طور مستقل و با تکیه بر ابزارها و روش‌های تخصصی این حوزه انجام گیرد. تا پیش از این، باستان‌شناسی در میبد بیشتر به‌عنوان یک روند فرعی و در جهت فراهم‌کردن زمینه برای پژوهش‌های مرمتی مورد توجه قرار گرفته است. اکنون، با گذشت سال‌ها از آغاز مطالعات میراث فرهنگی در شهر تاریخی میبد، به نظر می‌رسد ضروری است که برای سایت‌های مهمی چون نارین‌قلعه، بیده، بارجین و دیگر محوطه‌های ارزشمند، برنامه‌های متنوع پژوهشی و مطالعاتی مبتنی بر باستان‌شناسی طراحی شود. همچنین، تدوین اطلس باستان‌شناسی شهرستان میبد با رویکرد تاریخی و فرهنگی و مقایسه آن با سایر مناطق کشور، به‌ویژه حوزه فلات مرکزی ایران، می‌تواند افق‌های تازه‌ای در این زمینه بگشاید. تکنیک‌های باستان‌شناسی مورد استفاده در میبد باید مبتنی بر واقعیت‌های میدانی، فرهنگی و اجتماعی این شهر باشد و تمرکز ویژه‌ای بر باستان‌شناسی شهری داشته باشد.
واژگان کلیدی	
باستان‌شناسی	
میبد	
اطلس میراث فرهنگی	
راهکار	

استناد: همت‌پور، عبدالمهدی، کلبادی‌نژاد، مریم، چهری، محمد اقبال (۱۴۰۴). باستان‌شناسی شهر تاریخی میبد؛ مروری بر گذشته، چالش‌ها، چشم‌انداز و ارائه پیشنهاد. باستان‌شناسی ایران، ۱۵ (۱)، ۲۰۲-۱۸۳.

<https://doi.org/10.82101/AOI.2025.1211824>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، نشریه باستان‌شناسی ایران، مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.



Archaeology of the Historical City of Meybod: A Review of the Past, Challenges, Landscapes, and Proposals

Abdolmahdi Hemmatpour¹, Maryam Kolbadi Nezhad^{1✉}, Mohammad Eghbal Chehri³

1. PhD Candidate, Department of History and Archaeology, Islamic Azad University (CT.C), Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of History and Archaeology, Islamic Azad University (CT.C), Tehran, Iran. Corresponding author: maryam.kolbadi@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of History and Archaeology, Islamic Azad University (CT.C), Tehran, Iran.

Article Info

History

Received: July 12, 2025

Accepted: September 07, 2025

Keywords

Archaeology

Meybod

Cultural Heritage Atlas

Solution

Abstract

Archaeological analysis of Meybod requires an in-depth understanding of the historical evolution and numerous layers of this ancient city. Considering Meybod's specific geographical characteristics and its formation manner, inadequate knowledge of its chronological evolution will affect the restoration and architectural studies, disrupting their order. Archaeological studies of Meybod have failed to develop alongside other cultural heritage domains. There are numerous ambiguities in the archaeological aspects of Meybod throughout various periods, especially during the Islamic period. The analysis of results and findings from archaeological studies of Meybod will provide answers to broader questions, such as the process of transformation and evolution of cultural and historical periods, as well as the critical issue of social, political, and economic interactions between Meybod and its neighboring regions. Archaeology has been active in Meybod County for more than two decades. During this period, there were times when archaeological activities became prominent and significant, and there were times with complete inactivity in archaeological research. Archaeological studies must employ specialized tools and methods to identify and document the foundational elements of Meybod. Until recently, archaeology in Meybod was considered a subordinate discipline aiming to pave the way for research about restoration endeavors. Today, after so many years of conducting cultural heritage studies in the historical city of Meybod, it appears that a diverse set of research plans must be designed for major heritage sites such as Narin Castle, Bideh, Barjyn, and other valuable locations. Moreover, the archaeological atlas of Meybod County needs to be adapted to other regions of the country, especially the Central Iran Plateau, in terms of historical and cultural approaches. Archaeological techniques used in Meybod must be based on field, cultural, and social realities, and they must particularly focus on urban archaeology.

Citation: Hemmatpour1, A., Kolbadi Nezhad M., & Chehri, M. E. (2025). Archaeology of the Historical City of Meybod: A Review of the Past, Challenges, Landscapes, and Proposals. *Archaeology of Iran*, 15(1), 183-202.

<https://doi.org/10.82101/AOI.2025.1211824>

© 2025 Authors, *Archaeology of Iran*, Journal of Islamic Azad University, Shushtar Branch.

مقدمه

با گسترش شهرنشینی و توسعه بی‌رویه شهرها در قرن معاصر، توجه به میراث مادی شهرهای تاریخی اهمیتی دوچندان یافته است. در این میان، باستان‌شناسی با بهره‌گیری از اسناد تاریخی، تحلیل شبکه‌های شهری، سنجش از دور و سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی، لایه‌های پنهان گذشته را آشکار می‌سازد (عزیزی خرائقی و همکاران، ۱۴۰۴). اجرای پروژه‌های توسعه‌ای و عمرانی بدون پیوست فرهنگی و فعالیت‌های باستان‌شناسی، به تخریب محوطه‌های ارزشمند تاریخی منجر خواهد شد (Demoule, 2012).

هسته نخستین مطالعات جدی در شهر میبد، در سال ۱۳۷۸ و با هدف تعیین عرصه و حریم و ساماندهی محوطه باستانی نارین‌قلعه شکل گرفت. داده‌های باستان‌شناختی به‌دست‌آمده از این محوطه، کمک شایانی به تدوین یک گاه‌نگاری تاریخی اولیه و طرح پرسش‌های اساسی تاریخی و تمدنی در این حوزه فرهنگی-جغرافیایی نمود. با این حال، پس از ساماندهی اولیه، این روند متوقف شد و تداوم نیافت.

با توجه به چشم‌انداز مطالعات گذشته، شهر تاریخی میبد از منظر باستان‌شناسی حوزه‌ای بکر، قابل تأمل و دارای ظرفیت‌های فراوان پژوهشی است. بهره‌گیری از این قابلیت‌ها و دستیابی به یک راهبرد سنجیده و نظام‌مند مطالعاتی، از نخستین ضرورت‌های باستان‌شناسی در میبد به شمار می‌آید. ابهام‌های متعددی در حوزه باستان‌شناسی میبد، به‌ویژه در دوره اسلامی، وجود دارد. بررسی نتایج و بازخوردهای پژوهش‌های باستان‌شناسی می‌تواند به پرسش‌های کلان‌تری همچون سیر تحول و تطور ادوار فرهنگی و تاریخی از پیش‌ازتاریخ تاکنون، و نیز مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی میبد با سایر حوزه‌های همجوار پاسخ دهد. برای نمونه، بخشی از این پژوهش‌ها می‌تواند به روشن‌شدن تعاملات میبد با حوزه‌هایی چون کرمان، کاشان، فارس و شاهرود در چارچوب باستان‌شناسی فلات مرکزی ایران کمک نماید.

شواهد باستان‌شناختی موجود حاکی از اهمیت ویژه این حوزه است. حجم گسترده ابزارهای سنگی در اشکال و

کاربری‌های متنوع متعلق به دوره‌های فراپارینه‌سنگی و نوسنگی، تنوع چشمگیر زمین‌ریخت‌شناسی در شکل‌گیری سایت‌ها و استقرارهای انسانی، و مجموعه وسیعی از سفالینه‌های متعلق به ادوار مختلف فرهنگی، به‌ویژه دوران اسلامی، نشان می‌دهند که تقویت حوزه باستان‌شناسی در میبد نه تنها منافع مطالعاتی برای استان یزد و شهر میبد دارد، بلکه در سطح ملی نیز اهمیتی ویژه خواهد داشت. از سوی دیگر، بررسی استعدادهای طبیعی و فرهنگی دشت یزد-اردکان به‌عنوان بستر شکل‌گیری این حوزه ضروری است. فقدان تصویری روشن از تحولات باستان‌شناسی این دشت و کمبود اطلاعات پایه‌ای همچون شناسایی دوره‌های استقرار از پیش‌ازتاریخ تا امروز، وضعیت و کیفیت سایت‌ها و نحوه پراکنش و شکل‌گیری آن‌ها، بر ضرورت اقدامات اصولی و نظام‌مند در این حوزه تأکید دارد. روش این پژوهش بر استدلال منطقی مبتنی است و با ایجاد انسجام در داده‌های پراکنده پیشین، در پی صورت‌بندی و سامان‌دهی یافته‌ها تدوین شده است.

اوضاع جغرافیایی و معرفی میبد

شهرستان میبد در ۵۰ کیلومتری شمال غربی یزد واقع شده است (مهندسین مشاور عرصه، ۱۴۰۰: ۵). این شهرستان از شمال به اردکان، از شرق و جنوب به اشکذر و تفت، و از غرب به مرز استان اصفهان محدود می‌شود. اطلاعات دقیقی درباره عوامل اولیه شکل‌گیری شهر میبد در دست نیست. با این حال، با توجه به اینکه سکونتگاه‌های نخستین معمولاً در بسترهای طبیعی و در کنار رودخانه‌ها و مناطقی که امکان کشاورزی و استمرار معیشت وجود داشته، شکل گرفته‌اند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که آبادی‌هایی چون بیده و محوطه پیرامونی نارین‌قلعه میبد نیز بر پایه توپوگرافی زمین و مسیر مسیل‌ها شکل گرفته‌اند. کهن‌ترین روستاهای منطقه مانند بیده، میبد، مهرجرد، بارجین و فیروزآباد نیز در مصب رودخانه‌های قدیمی میبد و در فاصله‌ای اندک از دهانه آن‌ها قرار گرفته‌اند (پویا، ۱۳۹۵: ۶).

در روایت‌های محلی، نام میبد به «میدار» نسبت داده شده است؛ یکی از سه سردار یزدگرد دوم که به‌عنوان بانی شهر معرفی شده است. نظریه‌ای دیگر، میبدار (بانی میبد) را شخصی با لقب «می‌دار» دانسته است؛ لقبی مشابه با عناوینی چون سپهبد و سپهدار. بر پایه این روایت، نام دیگر او «موبد» بوده است. همچنین گفته می‌شود که واژه «میبد» در اصل «موبد» بوده و اشاره به شاه موبد، پسر قباد، دارد (کاتب، ۱۳۵۷: ۳۲).

تاریخچه مطالعات باستان‌شناسی و حوزه‌های مرتبط با آن در میبد

پتانسیل دانش باستان‌شناسی در روشن ساختن چگونگی گذران گذشته نقش بسزایی دارد (Young, 2002). با این حال، مطالعات باستان‌شناسی نه‌تنها در میبد، بلکه در کل استان یزد، نسبت به بسیاری از مناطق دیگر کشور سابقه‌ای پربار و چشمگیر ندارد. برای این موضوع دلایل متعددی می‌توان برشمرد که بخشی از آن‌ها بیرونی و بخشی دیگر درونی هستند.

از منظر بیرونی، تمرکز و توجه باستان‌شناسان ایرانی و خارجی عمدتاً بر محوطه‌های باستانی شاخص کشور معطوف بوده است؛ محوطه‌هایی که به دلیل برخورداری از آثار غنی فرهنگی و معماری، پژوهشگران را آن‌چنان به خود جذب کرده‌اند که تمایل چندانی به گسترش حوزه مطالعات به مناطق بکر و کمتر شناخته‌شده نشان نداده‌اند. این گروه‌ها معمولاً با اجرای پروژه‌های درازمدت و چندساله، تمام توان و انرژی خود را بر این حوزه‌های غنی متمرکز کرده‌اند. افزون بر این، برخی از این مناطق به‌ویژه به دلیل قرار گرفتن در مجاورت فرهنگ‌ها و استقرارهای مهم خاورمیانه، در زنجیره مطالعات راهبردی باستان‌شناسی بین‌المللی جای داشته‌اند. نمونه‌هایی از این مناطق عبارت‌اند از خوزستان، آذربایجان و سیستان که به‌واسطه تعاملات گسترده با حوزه‌هایی چون بین‌النهرین، آسیای صغیر و شبه‌قاره هند اهمیت فراوان یافته‌اند.

از دیگر عوامل بیرونی مؤثر بر عدم رشد باستان‌شناسی در یزد، موقعیت جغرافیایی و سیاسی این استان است. بسیاری از تحولات باستان‌شناسی ایران، به‌ویژه از اواخر قرن نوزدهم میلادی، تحت تأثیر موضوعاتی چون نفت و موقعیت ژئواستراتژیک مناطق بوده است؛ موضوعاتی که استان یزد و مناطق وابسته به آن حضور پررنگی در آن‌ها نداشته‌اند. با مراجعه به منابع تاریخی و اسناد مکتوب، مشخص می‌شود که یزد تنها در دوره‌های اتابکان یزد و آل مظفر به نوعی دارای مرکزیت سیاسی محلی بوده، اما هرگز در سطح ملی یا فراملی به‌عنوان یک منطقه کلیدی در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی مطرح نشده است. به همین دلیل، معمولاً در تقسیم‌بندی‌های سیاسی بخشی از ولایات بزرگ‌تری همچون استخر، سپاهان یا کرمان به شمار آمده و بیشتر در سطح محلی اهمیت داشته است. همین عدم قرارگیری در کانون تحولات سیاسی و اجتماعی کشور، به‌ویژه در دوران پیش از اسلام، موجب شد که پرسش‌های بنیادین پژوهشی چندانی در مورد این منطقه مطرح نشود و در نتیجه، باستان‌شناسان تمایلی به پژوهش در آن نداشته باشند؛ عاملی که نهایتاً به کندی روند مطالعات باستان‌شناسی در استان یزد انجامیده است.

از منظر درونی، تأخیر در توسعه باستان‌شناسی استان یزد و به‌ویژه دشت یزد - اردکان، در مقایسه با دیگر نقاط فلات مرکزی مانند دشت قزوین، تهران و کاشان، تا حد زیادی به شرایط سخت اقلیمی و کویری منطقه بازمی‌گردد. این شرایط طی قرن‌ها سبب دگرگونی سیمای فرهنگی و باستانی منطقه شده و مانع آشکارسازی داده‌های سطحی در مقیاس گسترده گردیده است. افزون بر آن، طوفان‌های شن و پدیده هامون شدن بسیاری از محوطه‌های باستانی نیز به این روند دامن زده‌اند. بدین ترتیب، فقدان داده‌های فرهنگی که پیش‌شرط برنامه‌ریزی‌های پژوهشی و حفاظتی هستند، به همراه نبود بانک اطلاعاتی و داده‌های لازم برای تدوین ضوابط میراث فرهنگی، مشکلات مدیریتی متعددی برای بافت تاریخی یزد ایجاد کرده است (Machatz & Ziesemer, 2020).

است این مواد فرهنگی احتمالاً بر اثر برداشت خاک از محوطه‌های باستانی همجوار برای تهیه مصالح ساختمانی وارد این مجموعه شده‌اند. با این حال، داده‌های سطحی به‌ویژه در جبهه شمالی، به‌وضوح وجود استقرارهای پیش‌ازتاریخی در این محوطه را اثبات می‌کنند (روستایی، ۱۳۷۸: ۱۱).

البته باید در نظر داشت که طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های انسانی همچون داد و ستد، تجارت و مهاجرت، همواره در انتقال و جابه‌جایی اشیای باستانی از محل تولید به محل کشف نقش داشته‌اند (Price & Burton, 2010). در این میان، شاخص‌ترین نمونه سفال‌های کشف‌شده در جبهه شمالی نارین‌قلعه، سفالینه‌های با پوشش آخرای است که از مهم‌ترین شاخصه‌های دوره مس-سنگی به شمار می‌روند. نمونه‌های مشابه این سفال‌ها در محوطه باستانی بیده نیز به‌صورت فراوان و در فرم‌های متنوع به‌دست آمده است. افزون‌براین، در جریان ساماندهی حصار منتهی به محدوده ساخت‌وسازهای دوره آل مظفر در جبهه شمالی نارین‌قلعه و کف‌سازی این بخش، شواهدی از لایه‌های باستانی پیش‌ازتاریخی به‌دست آمد. این شواهد شامل سفالینه‌های آخرای و خاکستری شاخص دوره‌های مفرغ و آهن هستند. از دیگر یافته‌های مهم نارین‌قلعه، فضاهای دست‌کند و بوکن‌هایی در جبهه جنوبی مجموعه است که به‌عنوان شواهد استقرار و سکونت شناخته می‌شوند. در جریان پاک‌سازی و ساماندهی این فضاها، یک قطعه سکه منسوب به پوراندخت ساسانی کشف شد (روستایی، ۱۳۷۸: ۱۹-۲۰). اهمیت این یافته زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم میبد در زمان پوراندخت ساسانی از مراکز ضرب سکه به شمار می‌رفته است (ملکزاده بیانی، ۱۳۴۸: ۶۹).

خلاصه دستاوردها و اقدامات در محوطه باستانی نارین‌قلعه میبد

۱. تداوم استقرار انسانی از پیش‌ازتاریخ تا امروز:

آغاز جدی فعالیت‌های باستان‌شناسی در میبد از سال ۱۳۸۷ به بعد قابل‌توجه است؛ چراکه تا پیش از آن هیچ‌گونه شواهدی از انجام بررسی، کاوش یا گمانه‌زنی باستان‌شناسی در این منطقه وجود نداشت. اهم فعالیت‌های باستان‌شناسی در شهر تاریخی میبد به شرح زیر است.

مطالعات و پژوهش‌های باستان‌شناسی در نارین قلعه میبد (سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۰)

نارین‌قلعه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین سازه‌های خشتی ایران، جایگاهی ویژه در مطالعات باستان‌شناسی و هویت تاریخی شهر میبد دارد (ذاکرعاملی، ۱۳۸۵: ۱۴). تاکنون دو فصل کاری در محوطه نارین‌قلعه انجام شده است^۱؛ فعالیت‌هایی که عمدتاً در قالب اقدامات اضطراری، پی‌گردی و نجات‌بخشی بوده‌اند. با وجود این، به دلیل ماهیت پروژه که بیشتر بر خواناسازی و ساماندهی معماری مجموعه تمرکز داشت، در جریان پاک‌سازی و آواربرداری بخش‌های مختلف، حجم قابل‌توجهی از سفالینه‌های دوران اسلامی به‌دست آمد. این یافته‌ها اطلاعات ارزشمندی در خصوص سیر تحول و تداوم استقرار در نارین‌قلعه، دست‌کم از قرون میانه اسلامی تا ادوار متأخر، ارائه می‌کنند.

با وجود وسعت پروژه و حضور کارشناسان برجسته میراث فرهنگی کشور، تاکنون هیچ گزارش جامع و مدونی از اقدامات انجام‌شده منتشر نشده است. تنها اشاره مستند، دست‌نوشته‌ای کوتاه از زرین‌تاج شیبانی است که در کتاب میبد شهری که هست به چاپ رسیده است. این یادداشت مختصر اما حاوی اطلاعات بسیار مهمی است که بر وجود لایه‌های پیش‌ازتاریخی در میبد تأکید دارد (اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۳۰). افزون بر آن، کورش روستایی نیز گزارش روزانه‌ای از کاوش‌های نارین‌قلعه تهیه کرده است. او در این دست‌نوشته، با اشاره به کشف سفالینه‌های پیش‌ازتاریخی در بستر خشت‌ها و چینه‌های بخش‌هایی از نارین‌قلعه، معتقد

^۱ فصل اول اقدامات و فعالیت‌های باستان‌شناسی در نارین قلعه به سرپرستی سرکار خانم دکتر شیبانی و دکتر ناصر نوروززاده چگینی به انجام رسید.



شکل ۱: محوطه باستانی نارین قلعه (مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد، ۱۳۷۹)

مسجد جامع کهن میبد

مسجد جامع میبد از بناهای شاخص صدر اسلام است که بر اساس طرح شبستانی ستون‌دار و تک‌مناره‌ای ساخته شده و در ادوار بعد، به‌ویژه دوره‌های آل مظفر و صفویه، توسعه و گسترش یافته است.

نخستین پژوهش‌های علمی در بخش شبستان ستون‌دار مسجد، توسط ذات‌الله نیک‌زاد در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ انجام شد. در این مطالعات، شواهدی از مناره اصلی و قدیمی مسجد و همچنین مراحل توسعه و گسترش آن در دوره‌های فرهنگی بعد شناسایی گردید (نیک‌زاد، ۱۳۸۱) (شکل ۲). در ادامه، در گزارش منتشر شده در کتاب میبد، شهری که هست، یک گاه‌نگاری اولیه از تاریخ معماری این مسجد ارائه شد (اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۴۷).

فعالیت‌های مرمتی و ساماندهی در سال ۱۳۹۱ نیز در پیوند با پژوهش‌های نخستین و با هدف روشن ساختن مراحل اولیه ایجاد و استقرار مسجد صورت گرفت. در جریان این اقدامات، پی‌گردی‌های باستان‌شناسی منجر به کشف پای ستون‌های مسجد امام حسن در مجاورت مسجد جامع شد.

نارین‌قلعه یکی از محدود محوطه‌های باستانی در دشت یزد - اردکان است که توالی استقرار جوامع انسانی از دوره مس‌سنگی تا دوران معاصر در آن استمرار داشته است. این ویژگی زمینه‌ای ارزشمند برای انجام مطالعات میان‌رشته‌ای همچون باستان‌گیاه‌شناسی، باستان‌زمین‌شناسی و باستان‌شناسی پهن‌دشت/زمین‌سینما فراهم می‌آورد.

۲. تراکم و پراکندگی داده‌های فرهنگی:

انتشار فراوان قطعات سفال و ابزار سنگی در بخش‌های مختلف محوطه، حاکی از گستردگی استقرار جوامع انسانی در سراسر این تراس رسی است. با گمانه‌زنی در مناطق پیرامونی و هم‌پیوند، و انجام باستان‌شناسی شهری در محلاتی چون فیروزآباد، شمس‌آباد، میبد بالا و بشنیغان می‌توان شواهد دقیق‌تری از روندهای تاریخی و تحولات شهری میبد به دست آورد.

۳. موقعیت جغرافیایی و منابع آبی:

محوطه نارین‌قلعه در نقطه میانی تراس استراتژیک بارجین - بیده قرار گرفته است (شکل ۱). این موقعیت ممتاز، یکی از دلایل اصلی جذب و استمرار استقرارهای انسانی از پیش‌ازتاریخ تاکنون بوده است. افزون بر آن، قرارگیری مظهر قنات‌های مهمی مانند خارزار و کتنویه در یک خط تراز با موقعیت محوطه، همراه با برجستگی طبیعی تراس، شرایط مناسبی برای یک استقرار طولانی‌مدت فراهم کرده است.

۴. گستره دوره‌های پیش‌ازتاریخی:

یافته‌های حاصل از دو فصل فعالیت باستان‌شناسی در نارین‌قلعه، نشان‌دهنده فراگیری دو مقطع مهم پیش‌ازتاریخی یعنی عصر مس‌سنگی و عصر آهن است. با توجه به نتایج کاوش‌های فلات مرکزی، به‌ویژه در حوزه فارس و کاشان، و فراوانی محوطه‌های مرتبط با این دوره‌ها در ایران، می‌توان این الگو را برای محدوده میبد و دشت یزد - اردکان نیز تعمیم داد. البته این نتیجه مبتنی بر داده‌های مقدماتی است و نیازمند کاوش‌های جامع‌تر و گسترده‌تر در بخش‌های مختلف تراس رسی بارجین - بیده خواهد بود.

بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهر میبد

با توجه به نتایج فعالیت‌های باستان‌شناسی انجام‌شده در محوطه باستانی نارین‌قلعه میبد، که اهمیت این شهر را از منظر باستان‌شناسی نشان می‌دهد، برای نخستین بار برنامه‌ای جامع به‌منظور بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان میبد طراحی و اجرا شد. هدف این برنامه ایجاد یک اطلس باستان‌شناسی استان یزد بود که فاز نخست آن در سال ۱۳۸۹ به مرحله اجرا درآمد و فاز دوم آن در سال ۱۳۹۱ تکمیل شد. در جریان اجرای این دو فاز، در مجموع بیش از ۲۰۰ محوطه باستانی، تاریخی و اسلامی در شهرستان میبد شناسایی، بررسی و ثبت گردید. برای نام‌گذاری این محوطه‌ها از علامت اختصاری MB، که برگرفته از دو حرف کلیدی نام شهرستان میبد است، استفاده شد و ترتیب شماره‌گذاری از شماره ۰۰۱ آغاز گردید.

نتایج حاصل از این دو فصل بررسی و شناسایی، از اهمیت و ارزش علمی بسیار بالایی برخوردار بود و با کشف داده‌های باستان‌شناسی مربوط به ادوار فرایارینه‌سنگی و پیش از نوسنگی، زمینه شکل‌گیری فرضیه‌های نوین پژوهشی در این حوزه فراهم شد. از مهم‌ترین دستاوردهای این دو فصل می‌توان به کشف گونه‌های متنوع و متعدد از انواع ابزارهای سنگی با کاربردهای مختلف، و همچنین سفالینه‌های شاخص، به‌ویژه مربوط به دوره مس‌سنگی در چندین محوطه، به‌ویژه در سایت‌های باستانی بیده و بارجین، اشاره کرد که اهمیت پژوهشی و باستان‌شناختی آن‌ها بسیار بالاست.

علاوه بر این، در مطالعات انجام‌شده در نواحی کوهستانی پیرامون دشت میبد، شواهد متعددی از اشکفت‌ها و پناهگاه‌های سنگی شناسایی شد. با این حال، به دلیل ضخامت بالای روندهای نهشته‌گذاری و تجمع آبرفت‌های سیلابی در این محوطه‌ها، تاکنون اطلاعات دقیقی از پیشینه و جایگاه باستان‌شناختی آن‌ها قابل ارائه نیست و شایسته است بررسی‌ها و مطالعات جامع‌تر و آینده‌نگرانه‌ای در این حوزه صورت پذیرد.

همچنین با پاک‌سازی نمای آجری معاصر در شبستان ستون‌دار، نمای مرمت‌شده دوره آل مظفر آشکار گردید.

به‌منظور آماده‌سازی این بخش برای استفاده مجدد در فضای مسجد، کاوش‌هایی در کف شبستان انجام شد که منجر به کشف کف‌فرش خشتی اصیل با ابعاد $۵۰ \times ۳۰ \times ۳۰$ سانتی‌متر گردید (شکل ۳). این کف‌سازی دست‌کم متعلق به پیش از دوره آل مظفر و مربوط به دوران نخستین استفاده از مسجد پیش از توسعه‌های بعدی است.

یکی از یافته‌های قابل توجه در این پی‌گردی، کشف دو قطعه سفالینه پیش‌ازتاریخی در میان درز خشت‌ها بود که نشان می‌دهد برای خشت‌زنی یا ریختن خاک کوبیده در فرایند کف‌سازی، از خاک محوطه‌های باستانی مجاور استفاده شده است. همچنین در این کاوش، بخشی از اندوذهای اصلی کف و تعدادی از قرنیزهای کهن نیز شناسایی شد (شکل ۴).



شکل ۲: مسجد جامع میبد، شبستان شمالی (مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد، ۱۳۹۱)



شکل ۳: مسجد جامع میبد، شبستان شمالی (مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد، ۱۳۹۱)



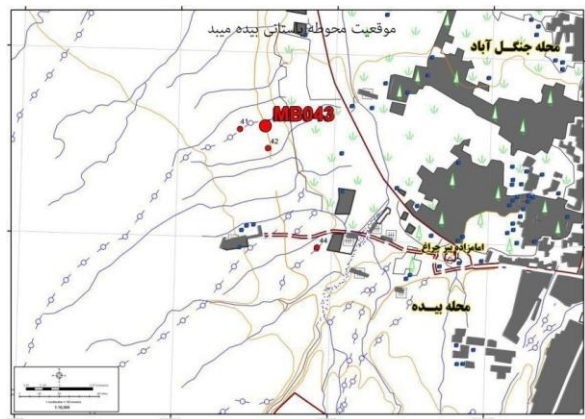
شکل ۴: مسجد جامع میبد، شبستان ستون‌دار شمالی (مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد، ۱۳۹۱)

۵. مستندسازی، ثبت و ضبط داده‌های فرهنگی ارزشمند با روش‌های منظم و قابل ارجاع (رضوانی، ۱۳۸۹، ۱۳۹۱).

وضعیت موجود محوطه‌های تاریخی و باستانی شناسایی شده در میبد

میراث باستان‌شناسی شهری شامل سازه‌ها، بناها، بافت‌های تاریخی و همچنین بستر آن‌ها است (Council of Europe, 1992). پس از پایان فصل دوم پروژه بررسی و شناسایی و تهیه اطلس باستان‌شناسی میبد در سال ۱۳۹۱، هیچ اقدام پیشگیرانه‌ای در جهت تعیین عرصه و حریم برخی از محوطه‌های شاخص و در معرض خطر نابودی انجام نشد. در نتیجه، اکثر محوطه‌هایی که در محدوده مجموعه شهرک‌های صنعتی جهان‌آباد، مزرعه کلانتر و بارجین واقع شده‌اند، در معرض تهدید و نابودی کامل قرار گرفتند. این محوطه‌ها از یک سو به واسطه انباشت نخاله‌ها و زباله‌های صنعتی کارخانجات به تدریج در حال دفن شدن هستند و از سوی دیگر، صدور مجوزهای جدید برای احداث کارخانه در این محدوده‌ها، به‌عنوان یک خطر بالقوه، عامل مهمی در نابودی آن‌ها محسوب می‌شود.

۱. محوطه باستانی بیده میبد: این محوطه در جنوب روستای بیده و در فاصله تقریبی سه کیلومتری جنوب غربی شهرستان میبد واقع است (شکل ۵).



شکل ۵: روستای بیده. محوطه باستانی بیده (مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد، ۱۴۰۱)

این دو پروژه را می‌توان از مهم‌ترین و اثرگذارترین اقدامات انجام‌شده در حوزه باستان‌شناسی شهرستان میبد دانست، که از نظر غنای داده‌ها، کیفیت جمع‌آوری اطلاعات و ارزش‌های پژوهشی و تحقیقاتی، جزو نمونه‌های سیستماتیک و علمی در سطح استان محسوب می‌شوند. از منظر گاه‌نگاری و دوره‌نگاری، داده‌های سطحی مکشوفه از محوطه‌های میبد امکان بررسی و تحلیل توالی استقرار جوامع انسانی را از دوره فراپارینه‌سنگی تا دوران متأخر فراهم ساخته است.

به‌ویژه تعدد و تنوع داده‌های سنگی، شامل مادرسنگ‌ها، تراشه‌ها، میکرولیت‌ها، ریزتیغه‌ها، سنگ‌ساب‌ها، تبرهای سنگی و دورریزهای حاصل از فعالیت کارگاه‌های موقتی ساخت ابزارهای سنگی در دوره‌های فراپارینه‌سنگی و نوسنگی، اهمیت ویژه‌ای به این منطقه بخشیده است. در حوزه مطالعات پیش‌ازتاریخی نیز، دوره‌های مس‌سنگی و آهن با توجه به شواهد فرهنگی متعدد مکشوفه، به‌ویژه در محوطه‌های بیده، بارجین و نارین‌قلعه، اهمیت و جایگاه برجسته‌ای دارند (رضوانی، ۱۳۸۹، ۱۳۹۱).

برخی از مهم‌ترین نتایج حاصل از دو فصل بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان میبد به شرح زیر است:

۱. انجام پیمایش‌های گسترده با هدف بررسی شهرستان میبد و تهیه اطلس باستان‌شناسی محوطه‌های اسلامی، تاریخی و پیش‌ازتاریخی این شهرستان.

۲. روشن شدن وضعیت باستان‌شناسی و شناسایی غنای فرهنگی و تاریخی میبد، که امکان تمرکز و ادامه فعالیت‌های باستان‌شناسی در دشت یزد - اردکان را فراهم می‌سازد.

۳. شناسایی بیش از ۲۰۰ محوطه باستانی و تاریخی در شهرستان میبد، که اکثریت آن‌ها به دوران پیش از اسلام و دوره‌های پیش‌ازتاریخی تعلق دارند.

۴. وجود این حجم از محوطه‌ها و سایت‌های باستانی در محدوده‌ای نسبتاً کوچک، نشان‌دهنده تمرکز وسیع و همه‌جانبه جوامع انسانی از دوره پیش‌ازتاریخی تا دوران معاصر است و قابلیت‌های زیستی ویژه و شرایط مناسب برای تجمع و استقرار جوامع انسانی در این منطقه را تأیید می‌کند.

به واسطه زرتشتی بودن این روستا، چندین نمونه از یادمان‌های مذهبی آن، از جمله آتشکده و مواضع معماری متأثر از آن، ثبت شده است. الگوی شکل‌گیری این محوطه تحت تأثیر مسیل‌ها و روان‌آب‌ها بوده و دو آبراه بزرگ نیز در محدوده آن جریان دارد که از مهم‌ترین مختصات الگوی استقرار محوطه محسوب می‌شوند. نمونه‌ای از داده‌ها و مواد فرهنگی مکشوفه شامل ابزارهای سنگی با کاربردهای مختلف مانند ابزارهای خراشنده، کوبنده، مادرسنگ، ابزارهای روتوش‌خورده و مته‌ای شکل است. تمامی این ابزارها از سنگ چرت با رنگ‌های قرمز، جگری و سیاه ساخته شده‌اند. با توجه به فراوانی این جنس ابزار در محوطه‌های میبد، به نظر می‌رسد منشا آن‌ها در معادن اطراف شهرستان‌های میبد و اردکان قرار داشته باشد (شکل ۸).

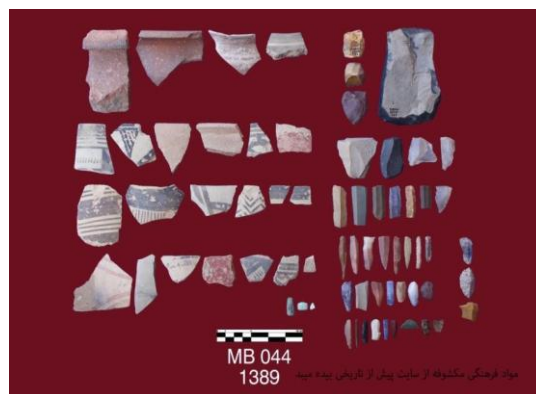


شکل ۸: نمونه‌ای از داده‌ها و مواد فرهنگی مکشوفه از محوطه مزرعه کلانتر (عکس از پیمان منصوری) (مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد، ۱۳۸۹)

۳. محوطه باستانی تل مسگران میبد: این محوطه هم‌پایوند در مجاورت مزرعه کلانتر و شرق جهان‌آباد قرار دارد. وجود مسیل‌های فصلی و کارگاه‌های صنعتی تولید ابزار به صورت روباز و محدود نشان‌دهنده وضعیت استقرار موقتی در این محوطه است. این محوطه را می‌توان به‌عنوان نقطه شروع تراس‌رسی سرتاسری بارجین - میبد در نظر گرفت.

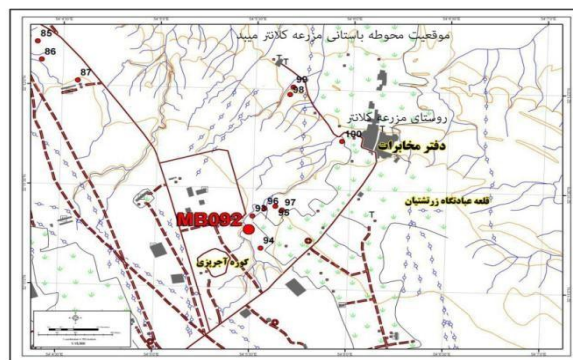
بر اساس داده‌های حاصل از بررسی و شناسایی باستان‌شناسی، محوطه تل مسگران علاوه بر دوره پیش‌ازتاریخ، در دوره اسلامی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به‌عنوان یکی از شهرک‌های اقماری و مجموعه‌های صنعتی و تولیدی به شمار می‌رود. شواهد متعدد از

مواد فرهنگی موجود در محوطه بیده شامل سفالینه‌های منقوش نخودی، سفالینه‌های اخرائی صیقل‌خورده و داغ‌دار شده، و سفالینه‌های ساده با شاموت‌های گیاهی و شن و ماسه می‌باشد. از منظر گاه‌نگاری و مطالعات سبک‌شناختی، این سفالینه‌ها متعلق به دوره مس‌سنگی هستند و با نمونه‌های سبکی محوطه باکون فارس و سیلک کاشان شباهت دارند. همچنین، گونه‌های متنوع ابزارهای سنگی شامل مادرسنگ‌ها، ابزارهای زمخت، نمونه‌های ظریف و ابزارهای مته‌ای شکل و برگی شکل در این محوطه مشاهده می‌شوند که آن‌ها نیز به دوره مس‌سنگی تعلق دارند (شکل ۶).

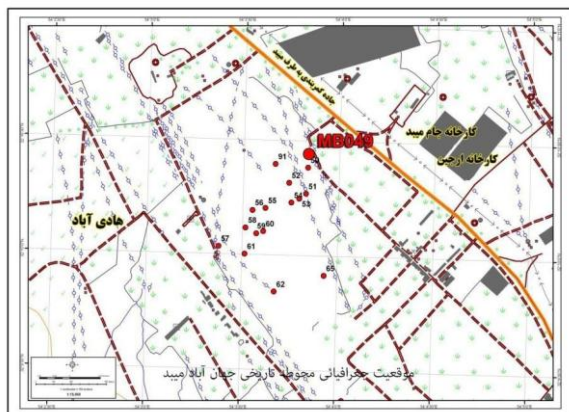


شکل ۶: نمونه‌ای از مواد فرهنگی محوطه باستانی بیده (عکس از پیمان منصوری) (مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد، ۱۳۸۹)

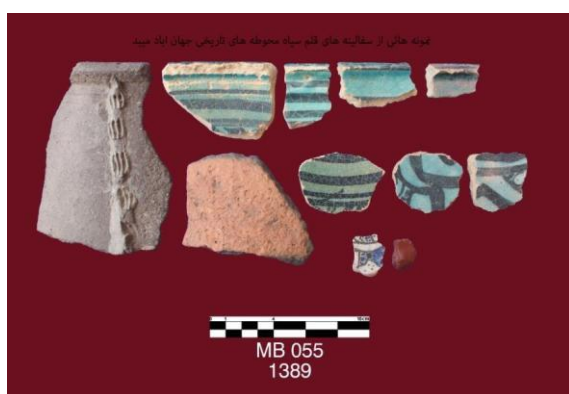
۲. محوطه باستانی مزرعه کلانتر میبد: این محوطه در جنوب غرب روستای مزرعه کلانتر، در ۱۶ کیلومتری میبد واقع است (شکل ۷).



شکل ۷: محوطه باستانی مزرعه کلانتر (مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد، ۱۴۰۱)



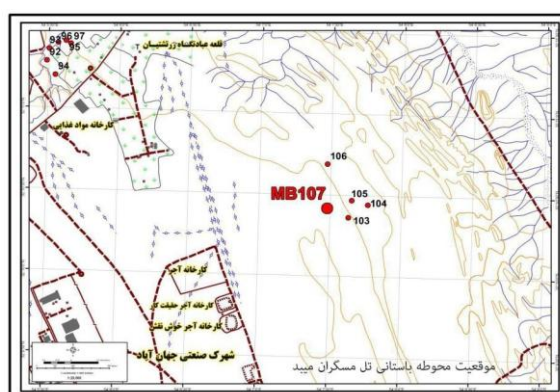
شکل ۱۰: روستای جهان آباد (آرشیو پایگاه پژوهشی میبد، ۱۴۰۱).



شکل ۱۱: محوطه تاریخی جهان آباد میبد، نمونه‌هایی از سفالینه‌های قلم سیاه دوره آل مظفر (عکس از پیمان منصوری) (مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد، ۱۳۸۹)

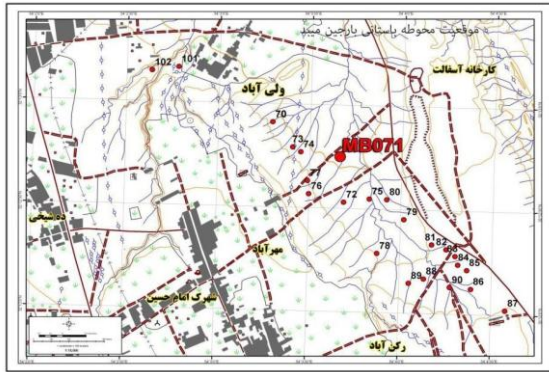
۵. محوطه باستانی حسن آباد میبد: این محوطه در فاصله حدود پنج کیلومتری غرب شهرستان میبد واقع شده است (شکل ۱۲). در حال حاضر، به واسطه احداث جاده کمربندی میبد - یزد، محوطه به دو بخش مجزا تقسیم شده است. محدوده هم‌پایوند با آسیاب کچلگ و سایت‌های دوره ایلخانی پیرامون آن، دچار آسیب‌های جدی شده‌اند؛ با این حال، محوطه‌های پیش‌ازتاریخی و به‌ویژه سایت‌های دوره فرابارینه‌سنگی و نوسنگی به دلیل قرارگیری در عوارض تپه‌ماهوری و مجاورت با مسیل‌های فصلی وضعیت بهتری دارند و هنوز آثاری ارزشمند از این محوطه قابل دستیابی است (شکل ۱۳).

جوش کوره‌ها، سرباره‌ها و کوره‌های فرآوری آجر و سفال در بخش‌های وسیعی از محوطه اسلامی قابل مشاهده است. خاک‌برداری‌های گسترده به‌منظور استفاده در صنعت کاشی، این محوطه را در معرض تخریب و نابودی کامل قرار داده است. همچنین بخش‌های وسیعی از آن زیر خروارها زباله‌های صنعتی کاشی مدفون شده و بخش عمده‌ای از اطلاعات ارزشمند این محوطه در معرض از بین رفتن است. بخش اسلامی این محوطه شامل ساختارهای معماری و کوره‌های متعدد فرآوری سفال می‌باشد (شکل ۹).

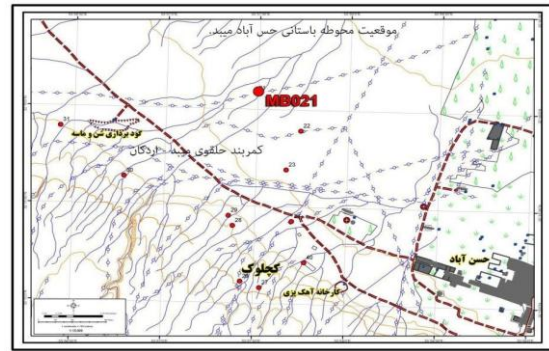


شکل ۹: محوطه اسلامی محوطه باستانی تل مسگران (مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد، ۱۴۰۱)

۴. محوطه تاریخی جهان آباد میبد: محوطه تاریخی جهان آباد در جنوب شرقی شهرستان میبد واقع شده است (شکل ۱۰). احداث شهرک صنعتی جهان آباد و توسعه مزارع کشاورزی از جمله مهم‌ترین عوامل تخریب در این محوطه محسوب می‌شوند. این محوطه از یک سو در محاصره شهرک صنعتی جهان آباد قرار دارد و از سوی دیگر، پیش‌روی اراضی کشاورزی روستاهای جهان آباد، محمدآباد و حجت آباد بخش‌های وسیعی از محوطه‌های تاریخی آن را نابود کرده است. با توجه به شباهت مواد فرهنگی دوره اسلامی این محوطه با آثار مشابه در محوطه تل مسگران، می‌توان ارتباط کالبدی و عملکردی میان این دو محوطه را به عنوان شهرک‌های اقماری دوره آل مظفر قائل شد (شکل ۱۱).

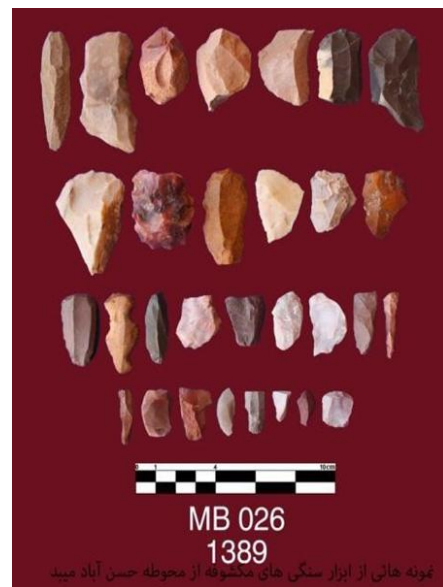


شکل ۱۴: نقشه جانمایی محوطه باستانی بارجین میبد (مأخذ: مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی میبد، ۱۴۰۱)



شکل ۱۲: نقشه جانمایی محوطه باستانی حسن‌آباد میبد (مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی میبد، ۱۴۰۱)

این محوطه از جمله پرتراکم‌ترین استقرارهای فصلی و موقتی و کارگاه‌های تولیدی سنگ‌ابزار و همچنین دارای داده‌های فرهنگی مهم شامل سفالینه‌های شاخص دوره مس-سنگی در میبد است (شکل ۱۵). از این منظر، این محوطه به همراه بیده می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های مطالعاتی در حوزه باستان‌شناسی مورد توجه قرار گیرد و مبنای ارائه یک مدل گاه‌نگاری از استقرار جوامع انسانی در منطقه قرار گیرد.



شکل ۱۳: نمونه‌هایی از سنگ ابزارهای مکشوفه از محوطه حسن‌آباد (عکس از پیمان منصوری) (مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد: ۱۳۸۹)



شکل ۱۵: نمونه سفالینه‌های شاخص و آثار ذوب فلز در محوطه باستانی بارجین (عکس از پیمان منصوری) (مرکز اسناد پایگاه پژوهشی میبد: ۱۳۸۹)

۶. محوطه باستانی بارجین میبد: این محوطه در شرق شهرستان میبد واقع شده است (شکل ۱۴) و به‌عنوان یک محوطه باستانی حائز اهمیت در بررسی توالی و تسلسل فرهنگی از دوره نوسنگی تا دوره مس-سنگی شناخته می‌شود. اهمیت این محوطه از آن جهت است که شرایط طبیعی آن، از جمله وجود راه‌آب‌ها و مسیل‌های فصلی و دائمی، به‌عنوان منابع آب مناسب عمل کرده و امکان استقرار پایدار جوامع انسانی را فراهم ساخته است. افزون بر این، منابع غنی خاک رس در دو رأس کرانه پایانه تراس رسی بارجین-بیده، زمینه‌ساز شکل‌گیری و تثبیت استقرارهای انسانی در دوره مس-سنگی بوده است.

چشم‌انداز و نگاه به آینده در حوزه باستان‌شناسی میبد

عدم وجود برنامه‌ریزی جامع برای مدیریت یکپارچه بافت‌های تاریخی موجب بروز آسیب‌های جبران‌ناپذیر به این بافت‌ها و پیرامون آن‌ها می‌شود (Renfrew & Bahn, 1994). حوزه باستان‌شناسی در میبد، با وجود ارزش و اهمیت آن در روشن نمودن ابهامات مرتبط با سایت‌های باستانی و بافت‌های تاریخی، تاکنون آن‌چنان که شایسته است مورد توجه قرار نگرفته و جایگاه برجسته‌ای در سیر مطالعاتی تاریخی و فرهنگی میبد نداشته است. این موضوع اهمیت دوچندانی دارد، زیرا با توجه به جغرافیای زیستی شهرستان و توالی استقرارهای انسانی و اجتماعات بشری از پیش‌ازتاریخ تا امروز، در محدوده‌ای مشخص و واقع در مسیر آبراهه‌های باستانی و رشته‌های قنوات، هر اقدام مرتبط با مرمت در میبد باید با در نظر گرفتن روندهای مطالعات بافت‌های تاریخی و موضوع باستان‌شناسی انجام شود. از سوی دیگر، با توجه به داده‌ها و ذخایر باستان‌شناسی غنی میبد در مقایسه با سایر مناطق استان، این شهرستان می‌تواند به‌عنوان خاستگاه شکل‌گیری مطالعات روشمند باستان‌شناسی در کل منطقه شناخته شود. برخی مناطق میبد که به صورت یک مجموعه کامل هستند، با توجه به تنوع و غنای داده‌های فرهنگی موجود، به‌عنوان محوطه‌های جداگانه ثبت شده‌اند. با ثبت کلی محوطه مزبور، تمام محوطه‌های تفکیک‌شده در داخل آن نیز در محدوده ثبتی قرار می‌گیرند، زیرا از منظر علمی، ثبت یک جزء از کل و بررسی مجموعه اجزا برای پژوهش‌های آتی اهمیت دارد (Rivers, Cofield et al., 2024).

موضوع آب و نقش آن در شکل‌گیری استقرارهای انسانی، چه به صورت موقت و چه به صورت دائم، از دوره پیش‌ازتاریخ تا امروز، اهمیت ویژه‌ای دارد. با توجه به توسعه نامتوازن شهری، بسیاری از مسیرها و آبراهه‌های اصلی و فرعی، به‌ویژه در روستای بیده، در حال پر شدن و قطعه‌بندی برای ساخت‌وسازهای مسکونی هستند. در صورت تداوم این روند

و عدم مداخله، هیچ اثری از این ساختارهای حیاتی برای مطالعه زمین‌ریخت‌شناسی منطقه باقی نخواهد ماند.

موضوع دیگر، توجه به باستان‌شناسی شهری در داخل محلات تاریخی و محدوده حصار تاریخی میبد است. با توجه به تراکم و فشردگی محلات شهرستان، نمی‌توان به‌صورت گسترده و ارگانیک اقدام به حفاری نمود؛ بلکه با بهره‌گیری از الگوی باستان‌شناسی شهری و انجام گمانه‌زنی‌های محدود و مشخص در هر محله تاریخی، می‌توان به یک لایه‌نگاری معنادار دست یافت. موجودیت محوطه باستانی نارین قلعه و شکل‌گیری محلات تاریخی پیرامون آن می‌تواند به‌عنوان الگوی مناسب مطالعه و پژوهش مورد استفاده قرار گیرد.

با توجه به ارزش و اهمیت ویژه محوطه‌های باستانی و تاریخی میبد، و تراکم و مجتمع بودن آن‌ها، ضروری است که بخش باستان‌شناسی میبد با حضور کارشناسان خبره احیا شود. اقدامات کلیدی شامل:

۱. ایجاد بانک سفال تخصصی،
۲. تداوم و اجرای برنامه منظم سالانه کاوش و بررسی،
۳. تعیین عرصه و حریم محوطه‌ها،
۴. ایجاد ارتباطات علمی وسیع با کارشناسان خارجی و تشکیل هیئت‌های مشترک مطالعاتی، می‌باشد.

همچنین، تلاش برای تبدیل برخی محوطه‌های شاخص به محوطه‌های اکو-موزه‌ای و حفاظت و مرمت از عوارض طبیعی و فرهنگی آن‌ها، و برخورد قاطع با تخلیه نخاله‌های صنعتی و خانگی که مهم‌ترین عامل نابودی و مدفون شدن محوطه‌ها است، باید در دستور کار قرار گیرد. حوزه باستان‌شناسی میبد، به‌واسطه موقعیت ژئواستراتژیک و پتانسیل فراوان آن، می‌تواند چالشی نوین در مطالعات فلات مرکزی ایران ایجاد کند و هرگونه اقدام در جهت شناسایی، کاوش، حفاظت، مرمت، معرفی و آموزش آن، از الزامات علمی و پژوهشی حوزه میراث فرهنگی کشور محسوب می‌شود. در صورت بی‌توجهی، این محوطه‌های باستانی به مرور نابود شده و زیر خروارها نخاله مدفون خواهند شد و برای همیشه از دسترس خارج می‌شوند.

می‌تواند اصالت آثار تاریخی را مخدوش نماید (Scott, 2016). از جمله این موارد، باستان‌شناسی شهری است که به واسطه واقع شدن محوطه‌های آن در داخل بافت‌های تاریخی و محل زندگی مردم، شاید قابلیت فازبندی به شیوه‌ای که برای سایت‌های باستانی تعریف شده، نداشته باشد. با این حال، با استفاده از روش‌های نوین و به‌روز می‌توان مطالعات باستان‌شناسی شهری را به‌صورت دقیق و علمی انجام داد. پروژه‌های پیشنهادی باستان‌شناسی در اقصی نقاط شهر تاریخی میبد در جدول زیر ارائه شده است (جدول ۱).

از سوی دیگر، حوزه باستان‌شناسی میبد زمینه مناسبی برای مطالعات میان‌رشته‌ای در زمینه منابع آب و پوشش گیاهی منطقه فراهم می‌آورد و می‌تواند اطلاعات ارزشمندی از وضعیت دشت یزد-اردکان ارائه دهد.

پروژه‌های پیشنهادی حوزه باستان‌شناسی

اصالت و تغییرات در دوره‌های تاریخی و دوره مدرن تفاوت‌های بنیادینی دارند. میزان مداخله در اقدامات مرتبط با باستان‌شناسی، حفاظت و مرمت در دوره‌های مختلف

جدول ۱: پروژه‌های پیشنهادی حوزه باستان‌شناسی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

شماره	نام پروژه	مکان پروژه	هدف پروژه (سؤالات و چالش‌های اساسی)	برنامه کوتاه‌مدت	برنامه میان‌مدت	برنامه درازمدت
۱	نارین قلعه	جنوب میبد هم‌پیوند با بافت شهری	۱- تعیین عرصه و حریم محوطه ۲- تعیین الگوهای کاوش و گمانه‌زنی باستان‌شناسی ۳- اولویت‌بندی بخش‌ها برای کاوش باستان‌شناسی ۴- اتخاذ تدابیر حفاظتی و مرمتی هم‌زمان با کاوش ۵- دستیابی به لایه‌نگاری قابل اتکا با گمانه‌زنی ۶- انجام مطالعات میان‌رشته‌ای برای دستیابی به یک الگوی استقرار مشخص در آن	۱- کاوش و گمانه-زنی و گنجاندن آن در تقویم پژوهش‌کده باستان‌شناسی ۲- ساماندهی انجام مرمت‌های اضطراری	۱- تداوم کاوش در محوطه ۲- انتشار گزارش کاوش‌ها ۳- برگزاری سمینارهای علمی در حوزه باستان‌شناسی میبد. ۴- تعامل با گروه‌های مردم‌نهاد میراث فرهنگی	۱- تبدیل محوطه باستانی نارین قلعه به یک اکوموزه فعال با رعایت استانداردها ۲- اخذ مجوز جهت ایجاد رشته باستان‌شناسی در یکی از دانشگاه‌های میبد.
۲	محوطه باستانی بیده	واقع در شرق میبد	۱- مطالعات باستان‌شناسی ۲- مطالعات میان‌رشته‌ای ۳- باستان‌شناسی چشم‌انداز و الگوهای استقرار به‌واسطه وجود دو آبراهه مهم در آن.	تعیین عرصه و حریم	گمانه‌زنی به‌منظور دستیابی به محدوده اصلی و به‌دست آوردن اطلاعات از روندهای نهشته‌گذاری و لایه‌نگاری	۱- تداوم منظم کاوش‌های باستان‌شناسی ۲- تبدیل آن به سایت آموزشی باستان‌شناسی برای دانشجویان
۳	محوطه باستانی حسن‌آباد	شرق میبد در مجاورت مجموعه تاریخی کچلک	۱- پژوهش‌های باستان‌شناسی و زمین‌ریخت‌شناسی ۲- تمرکز مطالعات بر حوزه فرایارینه‌سنگی و نوسنگی به‌واسطه کثرت داده‌ها و مواد فرهنگی شامل مادرسنگ‌ها، تیغه‌های دورریزها، و انواع ابزارهای مته‌ای، برگی شکل و سوزنی	تهیه پرونده ثبتی این محوطه در فهرست آثار ملی و تعیین عرصه و حریم این محوطه.	گمانه‌زنی‌های محدود در عرصه و محدوده این محوطه به شیوه رندمی و دستیابی به یک لایه‌نگاری و گاه‌نگاری قابل استناد	انجام اقدامات جهت جلوگیری از تجاوز به حریم آن ^۲ .

^۲ محوطه فراگیری نسبتاً وسیع داده‌های فرهنگی سنگی نسبت به سایر مواد فرهنگی است که می‌تواند یک مرحله مهم انتقالی از فرایارینه‌سنگی و نوسنگی بدون سفال را به نوسنگی با سفال تعریف کند.

۴	محوطه باستانی بارجین	در غرب میبد	این محوطه یکی از شاخص ترین محوطه‌های میبد از منظر مطالعه سیر تحول و مرحله انتقالی از دوره نوسنگی به مس‌سنگی است. شواهد باارزش سفالینه‌های نخودی منقوش و همچنین حجم وسیعی از داده‌های سنگی که به‌صورت محوطه‌های باز بر این موضوع تأکید دارند.	۱- تعیین عرصه و حریم محوطه. ۲- تهیه پرونده ثبت در فهرست آثار ملی ۳- پاک‌سازی محوطه از نخاله-های صنعتی	گمانه زنی در بخش‌های متنوع برای دستیابی به قشرهای نهشته‌گذاری شده و مسیر آبراه‌ها و مسیل‌های باستانی	عرصه مناسب برای انجام حفاری ارگانیک و هندسی و غنای آثار از قبیل کوره‌های ذوب مس، سفالینه‌های ساده و منقوش پیش ازتاریخی و فرم‌های متنوع ابزارهای سنگی
۵	محوطه باستانی مزرعه کلانتر	در غرب میبد	۱- زمین ریخت ویژه این منطقه که عامل پیدایش استقرارهای ادوار نوسنگی و فراپارینه‌سنگی است. ۲- مسیل‌های فصلی و آبراهه‌های دائمی	تعیین عرصه و حریم	گمانه‌زنی به‌منظور تعیین لایه‌های فرهنگی و روندهای نهشته‌گذاری ناشی از تغییر مسیرمسیل‌های فصلی	محوطه عصر سنگ شاخص درخصوص نحوه شکل‌گیری کارگاه‌های فصلی تولید ابزارسنگی متنوع و متکثر
۶	محوطه تل مسگران	در مجاورت شهرک صنعتی جهان آباد	۱- مطالعه چگونگی شکل‌گیری شهرک صنعتی تولید سفال در دوره آل مظفر به‌واسطه تعدد جوش کوره‌ها و سرباره‌ها و برخی از بقایای معماری مجموعه ۲- در بحث پیش ازتاریخ این محوطه گستره وسیع کارگاه‌های کوچک تولید ابزارسنگی و وجود مادرسنگ‌ها و دورریزهای فراوان	تهیه پرونده ثبتی محوطه پیش ازتاریخ آن جلوگیری از استفاده خاک مرغوب این محوطه در صنعت کاشی	خواناسازی ساختارهای معماری بخش اسلامی	با توجه به تکرر مواد فرهنگی سنگی می‌تواند پابلوت مطالعات باستان‌شناسی با موضوع ابزارسنگی و فراپارینه‌سنگی و نوسنگی باشد.
۷	باستان‌شناسی شهری	مناطق در محدوده مصوب شهر تاریخی میبد	۱- دستیابی به موضوع تطور و تسلسل شکل‌گیری محلات تاریخی میبد که به احتمال متأثر از محوطه باستانی نارین قلعه و محوطه‌های پیش ازتاریخی اطراف تراس سرتاسری بارجین - بیده بوده‌اند. ۲- دستیابی به يك لایه‌نگاری و تعدد گمانه‌زنی‌ها در مناطق مناسب هر محله با جامعه آماری بالا	لکه‌گذاری و پیمایش دقیق محلات تاریخی مشخص کردن کلیه مسیرهای قنات‌ها در این محلات	۱- انجام گمانه‌زنی، مستندنگاری داده‌های فرهنگی و معماری ۲- گسترش برخی ترانسه‌ها که ارزش مطالعاتی و داده‌های فرهنگی شاخص‌تری دارند.	استفاده از نتایج این گمانه‌زنی‌ها در مطالعات مرتبط با بافت تاریخی ^۳

تحلیل (SWOT) باستان‌شناسی در میبد

منحصر به‌فردی مشاهده نمی‌شود، می‌توان به ابهامات و پرسش‌های اساسی پاسخ داد؛ از جمله الگوهای شکل‌گیری و استقرار جوامع کوچ‌رو از دوره فراپارینه‌سنگی تا وضعیت امروزی کهن‌شهر میبد و عمق و تداوم مدنیت در این منطقه. از این‌رو، با برشمردن و تحلیل نقاط قوت و ضعف، تهدیدها و فرصت‌ها در این حوزه (جدول ۲)، می‌توان به یک جمع‌بندی منطقی دست یافت. به‌طور کلی، مطالعات باستان‌شناسی در میبد نه تنها باید به‌عنوان یک زمینه فعالیت حرفه‌ای تلقی شود، بلکه به‌عنوان ابزاری کارآمد و حیاتی در کنار سایر تخصص‌های میراث فرهنگی عمل کرده و امکان بررسی پیشینه، اصالت، و مزیت‌های اقلیمی و فرهنگی میبد را فراهم سازد.

مطالعات باستان‌شناسی در میبد و به‌طور کلی در دشت یزد - اردکان، یک ضرورت پژوهشی است. علم باستان‌شناسی، به‌عنوان یک زمینه مطالعاتی میان‌رشته‌ای و مشخص، در پیوند با سایر علوم و تخصص‌های مرتبط با میراث فرهنگی، باید به یک عرصه پژوهشی جدی تبدیل شود. شاید مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین دلیل این پیشنهاد، عدم وجود یک گاه‌نگاری علمی در پیوند با پیشینه تاریخی دشت یزد - اردکان باشد، که شامل تحلیل تأثیرات درون‌منطقه‌ای و تعاملات برون‌منطقه‌ای است. با توجه به تنوع ادوار فرهنگی و کشف شواهد فرهنگی مرتبط با آن در میبد، از پیش از تاریخ تا دوران متأخر، که در هیچ نقطه دیگری از استان یزد چنین وضعیت

^۳ دستیابی به اطلاعات احتمالی از تحولات انتقالی دوره شاخص ساسانی در میبد و مرحله انتقالی آن به صدر اسلام

جدول ۲: نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید باستان‌شناسی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

قوت: ۱: گستره وسیع سایت‌های تاریخی و پیش‌ازتاریخی با تنوع مواد فرهنگی و معماری منبعی مهم برای مطالعه سیر تحول و تطور زندگی جوامع انسانی و زمینه‌ای مناسب برای استفاده بهینه در طرح‌های آمایش سرزمین و استعداد-یابی محیطی و اجتماعی برای آینده توسعه شهر در دشت میبد است ۲: رابطه تنگاتنگ لایه‌های باستانی در اکثر ابنیه تاریخی شاخص کهن شهر میبد و کمک به دست‌یابی یک گاه‌نگاری نسبتاً دقیق برای مطالعه سیر ادوار تاریخی و کمک به لکه‌گذاری برای مطالعه درخصوص توسعه و گسترش شهر در ادوار تاریخی کهن تا دوره متأخر	ضعف: ۱: عدم فراگیری حوزه باستان‌شناسی در میبد و نبود امکانات مناسب برای مطالعه و بررسی و در نهایت کاوش‌های باستان‌شناسی در میبد ۲: ثبت نشدن تعداد زیادی از محوطه‌های باستانی میبد در فهرست آثار ملی ۳: عدم آشنائی مسئولان شهرستان و کلیت جامعه میبد از ارزش‌های باستان‌شناسی و الزامات فرهنگی و اقتصادی وجود این پهنه‌های زیستی چند هزار ساله
فرصت: ۱: باستان‌شناسی به مثابه یک مدل مطالعاتی برای طراحی شهری امروز و مطابق با استعدادهای محیطی و اقلیمی شهر تاریخی میبد ۲: زمینه‌ای مناسب برای تنوع جاذبه‌های گردشگری و میراث فرهنگی میبد با ایجاد سایت موزه‌ها و اکو سایت‌های مبتنی بر محوطه‌های باستانی ۳: تداوم فعالیت‌های باستان‌شناسی می‌تواند زنجیره مطالعات و تخصص‌های حوزه میراث فرهنگی را در این منطقه ارزشمند کامل کند	تهدید: ۱: مزیت نسبی صنعت و غفلت از حفاظت فیزیکی و محیطی از این گنجینه‌های ارزشمند مطالعاتی باستان‌شناسی، شهرسازی و معماری سنتی ۲: مدفون شدن بخش وسیعی از سایت‌های باستانی میبد به واسطه تخلیه نخاله‌های صنعتی و برداشت بی‌رویه از معادن رس تراس میبد ۳: توسعه بیشتر اقدامات غیر قانونی در جهت کند و کاو در محوطه‌های تاریخی و تخریب و نابودی سایت‌های ارزشمند میبد

چشم‌انداز تخصصی باستان‌شناسی شهری میبد

حوزه باستان‌شناسی میبد، با توجه به گام‌های اولیه و کمبودهایی که در تداوم فعالیت‌های آن در سال‌های اخیر مشاهده شده است، حوزه‌ای نوپا، اما مهم و استراتژیک محسوب می‌شود (جدول ۳). آنچه مسلم است و ناشی از ذات مطالعاتی این حوزه است، این است که باستان‌شناسی می‌تواند به عنوان سنگ بنا و نقطه آغازین برای دستیابی به مدل‌های مهمی چون الگوهای استقراری، مکان‌یابی‌های زیستی و مطالعات پایه‌ای برای جانمایی و روندهای توسعه شهری و محلات میبد از پیش از تاریخ تا به امروز مورد توجه قرار گیرد. با بهره‌گیری از روش‌های ژئوفیزیک اکتشافی در محوطه‌های باستانی، که بر اساس تغییرات فیزیکی نقاط سطح زمین به مدل‌سازی و تفسیر ساختارهای زیرسطحی می‌پردازند، می‌توان گام‌های مؤثری در زمینه باستان‌شناسی بافت تاریخی میبد برداشت (Daniels, 2004). باستان‌شناسی میبد، با توجه به تأثیر شدید اکوسیستم و اقلیم در شکل‌گیری این لکه مهم زیستی در قلب دشت یزد- اردکان و نقش حیاتی آن در مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی منطقه در

دوران اسلامی، یک موضوع بنیادین و کلیدی محسوب می‌شود.

جدول ۳: چشم‌انداز تخصصی منظومه شهری میبد از دیدگاه باستان‌شناسی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

حوزه تخصصی	حوزه میان‌رشته‌ای در پیوند با منظر شهری تاریخی میبد
۱. تکمیل اطلس باستان‌شناسی میبد.	۱. ارائه تصویری روشن از کرونولوژی تاریخی و فرهنگی کهن شهر میبد از قدیم‌ترین دوره تا امروز.
۲. ثبت کلیه محوطه‌های بارزش و لکه‌گذاری دقیق موقعیت آنها در نقشه‌های توسعه شهری و آمایش سرزمین.	۲. تکمیل چرخه حوزه‌های تخصصی مطالعاتی و پژوهشی برای جمع‌بندی کلیه مختصات اقلیمی، تاریخی و فرهنگی میبد.
۳. کاوش‌های باستان‌شناسی هدفمند برای رفع ابهام‌ها و گپ‌های کرونولوژیکی در حوزه فلات مرکزی ایران.	۳. استفاده از نتایج باستان‌شناسی برای طرح‌های آمایش سرزمین و طراحی‌های شهری مبتنی بر واقعیت‌های تاریخی و اقلیمی میبد.
۴. استفاده از پتانسیل باستان‌شناسی برای ایجاد اقتصاد پاک و پایدار در کنار سایر جاذبه‌های میراث فرهنگی و گردشگری، مبتنی بر معماری و ساختارهای اصیل.	

اهداف کلان و راهبردهای اجرایی باستان‌شناسی

میبد

گذشته، مسأله‌ای نیست که به‌سادگی قابل اندازه‌گیری، جدول‌بندی و تطبیق در چارچوب نظریه‌ها باشد (هادر، ۱۳۸۰). آثار حاصل از فرآیند پژوهشی باستان‌شناسی به‌عنوان بخشی از فرهنگ مادی برای عموم مردم معنا و مفهوم پیدا می‌کند (Caple, 2020).

برای دستیابی به مدلی کاربردی برای منظر شهری تاریخی، بدون شک حوزه باستان‌شناسی باید به‌صورت مستقل و مستمر حضور داشته باشد (گروت و وانگ، ۱۳۸۴: ۳۰۱). نتایج مطالعات باستان‌شناسی از یک‌سو باید منجر به شناسایی و تأیید یک گاه‌نگاری و دوره‌شناسی تاریخی نسبتاً روشن شود و از سوی دیگر به‌عنوان پشتوانه‌ای غنی برای ترسیم و طراحی یک مدل شهری تاریخی برای آینده میبد مورد استفاده قرار گیرد (جدول ۴).

یکی از مهم‌ترین مشکلات در حوزه‌های مرتبط با طرح تفصیلی و جامع میبد و امکان‌سنجی طرح‌های صنعتی و توسعه‌ای، عدم توجه کافی به هویت تاریخی و فرهنگی متأثر از بوم و اقلیم منطقه است. این طرح‌های بی‌ضابطه، با تنگ‌تر کردن جریان‌های حیاتی، مسدود کردن آبراهه‌های چند هزار ساله و تسطیح منابع خاک رس و تغییر آرایش تراس رسی بارجین-بیده، علاوه بر تغییر سیمای جغرافیایی منطقه، زمینه‌ای مخرب برای تسریع جریان‌های بیابان‌زایی و انحراف منابع آب زیرزمینی فراهم می‌آورند.

در این چارچوب، حوزه باستان‌شناسی در میبد یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای شناسایی مولفه‌های زیستی و آمایش سرزمین محسوب می‌شود. نکته مهم دیگر، شیوه مواجهه با تکنیک‌های باستان‌شناسی در پژوهش‌های دامنه‌دار و ریشه‌دار است، چراکه داده‌های به‌دست آمده از لحاظ کمیت و کیفیت با داده‌های دهه‌های گذشته تفاوت دارند؛ داده‌های دیجیتال امروزه به‌وسیله تجهیزات و منابع مختلف و در اشکال متنوع گردآوری می‌شوند (Heilen & Manneyt, 2023: 2).

مدل‌های مطالعاتی باستان‌شناسی در مناطق مختلف میبد متفاوت هستند و به‌نظر می‌رسد که در کنار مدل‌های ارگانیک، هندسی و گمانه‌زنی‌ها برای تعیین عرصه و حریم محوطه‌ها، باستان‌شناسی شهری بیش از سایر تکنیک‌های مطالعاتی باید مورد توجه قرار گیرد. فلسفه شکل‌گیری میبد، محدودیت‌های متنوع جغرافیایی و منابع آب اندک، باعث محدود شدن حق انتخاب جوامع انسانی در ادوار مختلف شده است. این فشردگی و تداوم سکونت در عرصه‌ای محدود که تا به امروز ادامه دارد، با روش‌های علمی باستان‌شناسی قابل تحلیل و واکاوی است.

کرونولوژی پیشنهادی برای منظومه شهری میبد

راهکارهای بومی و متناسب با شرایط اقلیمی و فرهنگی، برای فعالیت‌های مرتبط با میراث فرهنگی ضروری به شمار می‌آیند (Meister, 2019). به‌منظور دستیابی به یک گاه‌نگاری اولیه، جدولی طراحی شده است که مبنای آن، داده‌های سطحی جمع‌آوری شده در جریان دو فصل بررسی و شناسایی شهرستان میبد است (جدول ۵). هرچند این گاه‌نگاری اولیه می‌تواند با انجام کاوش‌های باستان‌شناسی سیستماتیک و علمی، بازنگری و اصلاح شود.

وضعیت ثبت محوطه‌های میبد در فهرست آثار ملی

محوطه‌های باستانی میبد از جمله ارزشمندترین منابع مطالعاتی برای دستیابی به یک گاه‌نگاری مستدل از تاریخچه و قدمت سکونت در دشت یزد - اردکان به شمار می‌روند (جدول ۶). از این‌رو، و به منظور بهره‌برداری از اطلاعات ارزشمند این محوطه‌ها، ضروری است ابتدا در فهرست آثار ملی ایران به ثبت برسند تا بتوان از جنبه حقوقی این ثبت در جهت حفظ و حراست فیزیکی آن‌ها بهره‌مند شد. از سوی دیگر، استفاده از علوم رایانه‌ای در باستان‌شناسی، امکان انطباق داده‌ها و بازسازی نزدیک به واقعیت مناظر و ابنیه مورد استفاده پیشینیان را فراهم می‌آورد (میرصفدری و محمدی‌فر، ۱۳۹۹). این دانش می‌تواند برای ایجاد بانک اطلاعاتی تخصصی محوطه‌های باستانی به کار گرفته شود.

در جدول زیر، محوطه‌های شاخص باستانی میبد هم از نظر ارائه شده است. همچنین، در ادامه، وضعیت ثبت یا عدم ثبت ارزش مواد فرهنگی و هم از منظر اهمیت جغرافیایی آن‌ها این محوطه‌ها نیز در این جدول گنجانده شده است.

جدول ۴: پیشنهادات جهت ارائه برنامه و اقدامات باستان‌شناسی در میبد (نگارندگان، ۱۴۰۴)

دوره	مشخصات کلی پروژه	نوع پروژه (موضوعی / موضوعی)	هدف	توضیحات
پیشگام	۱- تهیه نقشه از پراکندگی های سایت های باستانی میبد ۲- مستندنگاری داده‌های باستان‌شناسی میبد از ابتدا تاکنون	موضوعی	احصا اقدامات انجام شده و تبیین استراتژی آینده.	رسیدن به يك نقشه دقیق از پراکندگی محوطه‌های تاریخی
کوتاه مدت	۱- ثبت کلیه محوطه‌های باستانی میبد در فهرست آثار ملی و تعیین عرصه و حریم آنها ۲- گنجاندن آنها در بحث‌های طرح تفضیلی شهر و طرح‌های بالادستی آمایش سرزمین	این پروژه هم موضوعی و بلند مدت و کلان است و هم موضوعی و مبتنی بر يك بازه زمانی مشخص	نجات و حفظ محوطه‌های ارزشمند باستانی میبد و ایجاد الزامات قانونی و حقوقی برای جلوگیری از تعرض به محوطه‌ها برای اهداف صنعتی و توسعه شهری	ثبت هر اثر به مثابه ایجاد يك شناسنامه هویتی برای آن بوده و يك اعلام حضور و موجودیت آن در ساختار اداری و قانونی شهر است
میان مدت	۱- اولویت‌گذاری و رتبه‌بندی محوطه‌های باستانی میبد بر مبنای شاخصه‌هایی چون غنای لایه‌نگاری، دوری و نزدیکی آن‌ها به مواضع شهری، آسیب پذیر بودن آن‌ها ۲- تدوین اطلاعات ارزشمند در راستای برهم‌کنش‌های داخلی و خارجی در پیوند با باستان‌شناسی فلات مرکزی ایران	موضوعی و موضوعی	با محدودیت‌های مالی و انسانی اولویت‌گذاری برای استفاده بهینه از داده‌های محوطه‌های باستانی میبد را فراهم می‌آورد	برنامه مشخص یکی از بهینه‌ترین راهکارها در جهت استفاده از داده‌های محوطه‌های باستانی است
بلندمدت	کاوش‌های باستان‌شناسی و تداوم آن به عنوان يك حوزه تخصصی در میبد	موضوعی و موضوعی	به‌دست آوردن يك لایه‌نگاری و پیشینه تاریخی روشن از تحولات زندگی جوامع انسانی در میبد و کشف مولفه‌های زیستی و جغرافیایی این سایت‌ها با توجه به اقلیم و طبیعت میبد	کاوش و لایه‌نگاری دقیق می‌تواند بسیاری از شواهد فرهنگی مرتبط با برخی ایهامات تاریخی و معاصر را پوشش دهد
دائم و مستمر	حفاظت و مرمت، گردشگری و تبدیل محوطه‌های باستان‌شناسی به سایت موزه	موضوعی و موضوعی	حفظ کالبد فیزیکی و خاستگاه جغرافیایی سایت‌ها	

جدول ۵: کرونولوژی پیشنهادی برای منظومه شهری میبد (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	نام محوطه	دوره فرایارینه‌سنگی	دوره نوسنگی	دوره مس‌سنگی	دوره مفرغ	دوره آهن	دوره تاریخی و اسلامی
۱	بیده	مبهم	مبهم	شاخص	شاخص	مبهم	دارد
۲	بارجین	مبهم	مبهم	شاخص	دارد	مبهم	دارد
۳	تل مسگران	شاخص	شاخص	مبهم	مبهم	مبهم	شاخص
۴	حسن آباد	شاخص	شاخص	مبهم	مبهم	مبهم	شاخص
۵	جهان آباد	مبهم	مبهم	مبهم	مبهم	مبهم	شاخص
۶	مزرعه کلاتر	شاخص	شاخص	مبهم	مبهم	مبهم	شاخص
۷	نارین قلعه	مبهم	مبهم	شاخص	شاخص	شاخص	شاخص
۸	مسجد جامع میبد	-	-	-	-	-	شاخص

جدول ۶: وضعیت ثبت در فهرست آثار ملی محوطه‌های باستانی میبد (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	نام محوطه	ثبت در فهرست آثار ملی
۱	بیده	ثبت شده است
۲	بارجین	ثبت نشده است
۳	مزرعه کلاتر	پرونده ثبتی کامل نیست
۴	تل مسگران	بخش اسلامی آن ثبت شده است
۵	حسن‌آباد	ثبت نشده است
۶	جهان‌آباد	ثبت نشده است
۷	نارین قلعه	ثبت شده است
۸	مسجد جامع میبد	ثبت شده است.
۹	کلاته جیشم و چشم‌انداز فرهنگی آن	ثبت نشده است.
۱۰	اشکفت‌ها و غارهای غرب میبد	ثبت نشده است
۱۱	معادن تاریخی و قدیمی میبد	ثبت نشده است
۱۲	قنات‌ها و آبراهه‌ها	ثبت نشده است

نتیجه‌گیری

بیش از بیست و پنج سال از حضور باستان‌شناسی در شهرستان میبد می‌گذرد؛ طی این مدت، گاه فعالیت‌های باستان‌شناسی پررنگ و شاخص بوده و گاه در سکوتی معنادار قرار داشته است. ضعف منابع نوشتاری و تصویری موجود از بافت‌های تاریخی میبد، ضرورت تولید داده‌های علمی برای تحلیل‌های آینده در حوزه باستان‌شناسی شهری را آشکار می‌سازد. باستان‌شناسی و رویکردهای علمی آن در حوزه میراث فرهنگی شهرستان میبد یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود؛ ضرورتی که به عنوان عامل پیونددهنده میان تاریخ کهن میبد، محدودیت‌های جغرافیایی و اقلیمی و مدار زیست‌کنونی این کهن‌شهر، باید به شدت مورد توجه قرار گیرد.

شناسایی و مستندسازی مؤلفه‌های شکل‌گیری میبد باستان در سایه مطالعات باستان‌شناسی، می‌تواند نقشه راه و الگویی مناسب برای مواجهه با چالش‌های آینده ارائه دهد. باستان‌شناسی در میبد باید به صورت مستقل و با اتکا به ابزارها و شیوه‌های تخصصی حضور یابد؛ زیرا پیش از این، باستان‌شناسی در میبد عمدتاً به عنوان یک روند فرعی و در

خدمت هموار کردن بستر پژوهش برای امور مرمت و حفاظت مدنظر بوده است.

با گذشت این سال‌ها از عمر مطالعات میراث فرهنگی در شهر تاریخی میبد، به نظر می‌رسد برای سایت‌های شاخصی چون نارین قلعه، بیده و بارجین، ضرورت دارد برنامه‌های متنوع بر محور باستان‌شناسی طراحی شود و اطلس باستان‌شناسی شهرستان میبد در چارچوب‌های تاریخی و فرهنگی آن با سایر مناطق کشور، به ویژه در حوزه فلات مرکزی ایران، مورد بررسی قرار گیرد. تکنیک‌های باستان‌شناسی مورد استفاده در میبد باید مبتنی بر واقعیت‌های میدانی، فرهنگی و اجتماعی آن منطقه باشند.

تمرکز بیشتر بر باستان‌شناسی شهری ضروری است؛ چرا که باستان‌شناسی شهر میبد باید با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، از جمله سنجش از دور و عکسبرداری هوایی، به سمت رویکردهای غیرمخرب حرکت کند و نیاز به حفاری‌های گسترده و پرهزینه کاهش یابد. این رویکرد، علاوه بر تحلیل و تفسیر بهتر داده‌ها، امکان محوطه‌کاوی محدود و قابل گسترش در صورت لزوم را فراهم می‌کند. از آنجا که اطلاعات دقیقی از برهم‌کنش‌های تاریخی و فرهنگی و

رضوانی، حسن. (۱۳۹۱). گزارش بررسی باستان‌شناختی شهرستان میبد، فصل دوم: شرق شهرستان میبد. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

روستایی، کوروش. (۱۳۷۸). گزارش روزانه باستان‌شناسی نارین قلعه میبد. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

طرح هادی میبد. (۱۳۶۵). یزد: دفتر فنی استانداری یزد.

عزیزی خراقی، محمدحسین، اژدری، بهاره، دهقانی، محمدحسین، حسن‌زاده، مریم. (۱۴۰۴). باستان‌شناسی شهری و نقش آن در شناخت هویت تاریخی شهر: کاوش‌های باستان‌شناختی بقعه سلطان شیخداد یزد. پژوهش‌های نوین ایران‌شناسی، (۲)، - (در حال انتشار).

کاتب، احمد. (۱۳۵۷). تاریخ جدید یزد (به کوشش ایرج افشار). تهران: امیرکبیر؛ فرهنگ ایران زمین.

کریمیان، حسن، احمدی، عباسعلی. (۱۳۹۴). باستان‌شناسی فضایی؛ رویکردی علمی در مطالعه و تحلیل آثار معماری، فضاهای شهری و بافت‌های کهن. مطالعات باستان‌شناسی، (۲)، ۱۱۶-۱۰۳.

گروت، لیندا، وانگ، دیوید. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در معماری (چاپ اول). تهران: دانشگاه تهران.

ملکزاده بیانی، سوسن. (۱۳۴۸). سکه‌های دوران پوراندخت. مجله بررسی‌های تاریخی، (۱۹)، ۴. مسلسل ۱۱.

مهندسین مشاور عرصه. (۱۴۰۰). طرح جامع شهر میبد.

میرصفدری شراره، محمدی‌فریعقوب. (۱۳۹۹). بازآفرینی اطلاعات در دیجیتال باستان‌شناسی. مطالعات باستان‌شناسی پارسه، (۱۳)، ۱۸۱-۱۹۲. <http://dx.doi.org/10.30699/PJAS.4.13.181>

نیکزاد، ذات‌الله. (۱۳۸۱). پژوهش معماری مسجد جامع میبد (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). گروه مرمت بناهای تاریخی فرهنگی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تهران.

هادر، ایان. (۱۳۸۰). باستان‌شناسی تفسیری و نقش آن (ترجمه لیلا پاپلی یزدی و عمران گاراژیان). مجله باستان‌پژوهشی، ۸، ۳۷-۳۱.

شکل‌گیری محلات تاریخی میبد و نسبت آن با محوطه‌های باستانی در دسترس نیست، این شیوه بهترین روش برای مطالعات آینده به شمار می‌رود. افزون‌براین، محوطه‌های باستانی و تاریخی هم‌پیوند و مجاور با شهر، که در تیررس توسعه شهرک‌های اقماری و واحدهای صنعتی قرار دارند، باید تعیین عرصه و حریم شده و شاخص‌گذاری شوند. کلیه اطلاعات و مدارک این فعالیت‌ها باید در اختیار مشاوران طرح‌های توسعه و عمران شهری و طرح تفصیلی شهر میبد قرار گیرد تا حفاظت و لکه‌گذاری محوطه‌ها در نقشه‌های شهری به نحو مناسب انجام شود.

با توجه به انجام دو فصل بررسی و شناسایی روشمند باستان‌شناسی به صورت پیمایش دقیق، تقریباً اکثر بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی شهرستان میبد شناسایی شده‌اند و ضروری است برای ثبت کد جی‌آی‌اس و جی‌پی‌اس اقدام شود. در حال حاضر پرونده ثبتی تعدادی از محوطه‌های باستانی میبد، از جمله بیده و تل مسگران (دوره اسلامی)، تهیه و تدوین شده است و ضروری است مابقی محوطه‌ها در فهرست آثار ملی ثبت شوند.

تلاش برای تبدیل برخی محوطه‌های شاخص به محوطه‌های اکو موزه‌ای و حفاظت و مرمت از عوارض طبیعی و فرهنگی این محوطه‌ها و برخورد قاطع با تخلیه نخاله‌های صنعتی و خانگی، که در حال حاضر مهم‌ترین عامل نابودی و مدفون شدن این محوطه‌ها است، باید در اولویت قرار گیرد.

منابع

اسفنجاری کناری، عیسی. (۱۳۸۵). میبد شهری که هست: مجموعه پژوهش‌های تاریخ معماری و شهرسازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

پویا، سیدعبدالعظیم. (۱۳۹۵). سیمای باستانی میبد: سازواره و ساخت یک شهر کویری. میبد: دانشگاه آیت‌الله خابری.

ذاکرعاملی، لیلا. (۱۳۸۵). کهن شهر کویر. یزد: انتشارات نقش خورشید.

رضوانی، حسن. (۱۳۸۹). گزارش بررسی و شناسایی دشت میبد - اردکان. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

Caple, C. (2020). Introduction: The challenges of archaeological conservation. In *Studies in Archaeological Conservation* (pp. 3–28). Routledge.

Counsul of Europe. (1992). *Convention for the Protection of the Archaeological Heritage of Europe* (revised) (Valletta, 1992)

Daniels D.J. (2004). *Ground Penetrating Radar, the institution of electrical engineers*. London, UK.

Demoule, J. P. (2012). Rescue archaeology: a European view. *Annual Review of Anthropology*, 41(1), 611–626.

Heilen, M., & Manney, S. A. (2023). Refining archaeological data collection and management. *Advances in Archaeological Practice*, 11(1), 1-10.

- Machat, C., & Ziesemer, J. (2020). *Heritage at risk world report 2016–2019 on monuments and sites in danger*. Hendrik Bäßler verlag.
- Meister, N. B. (2019). A guide to the preventive care of archaeological collections. *Advances Archaeological Practice*, 7(3), 267–273.
- Price, T. D., & Burton, J. H. (2010). Provenience and Provenance. In *An introduction to archaeological chemistry* (213–242). Springer Science & Business Media.
- Renfrew, C., & Bahn, P. G. (1994). *Archaeology: theories, methods and practice*. Thames and Hudson.
- Cofield, S. R., Childs, S. T., & Majewski, T. (2024). A Survey of How Archaeological Repositories Are Managing Digital Associated Records and Data: A Byte of the Reality Sandwich. *Advances in Archaeological Practice*, 12(1), 20–33. <https://doi.org/10.1017/aap.2023.29>
- Scott, D. A. (2016). *Art: authenticity, restoration, forgery*. ISD. 526p.
- Young, M. (2002). The Nazis' archeology. *Nebraska Anthropologist*, 17, 29–35.